

## لفاظی‌های ترامپ علیه ایران، ضجه‌های یک امپراتوری در حال مرگ

بررسی دلایل دور شدن ایالات متحده آمریکا از هژمون جهانی

متن پیش رو ترجمه‌ای است از مقاله‌ای با عنوان «لفاظی‌های ترامپ علیه ایران، ضجه‌های یک امپراتوری در حال مرگ است» که به قلم «سیمون جنکینز» (نویسنده و مجری BBC) بوده که در ۹ ژانویه ۲۰۲۰ در تارنمای روزنامه گاردین منتشر شده است. وی در این مقاله، موضع‌گیری‌ها و اقدامات اخیر ترامپ، همچون ترور سردار سلیمانی و لفاظی‌های متعددش پیرامون ایران را بخشی از فروپاشی تسلط جهانی ایالات متحده می‌داند.

هرگز نمی‌گذاریم این اتفاق بیفتد.» اما همان‌طور که به متن نما (اتوکیو) نگاهی سرسری می‌انداخت، مانند همیشه به سوءاستفاده ایران و درخواست‌های کمک از ناتو پرداخت کرده بود. من حس کردم که ما داریم روزهایی را می‌بینیم که تسلط جهانی ایالات متحده در حال از میان رفتن است؛ حتی متحد جمهوری خواه ترامپ، مایک لی، جلسه توجیهی در مورد ایران را با عبارت «بدترین جلسه توجیهی را - حداقل در مورد یک موضوع نظامی - در ۹ سال اخیر در مجلس سنا دیده‌ام»، نامید.

### همه امپراتوری‌ها به شکل بدی از میان می‌روند

در حال حاضر، ترامپ عقب‌نشینی کرده اما بازی باز و کبوتر با تهران، هنوز تمام نشده است. همه امپراتوری‌ها نه تنها فراتر از اهداف اعلام شده خود، بلکه فراتر از مدت دوام مورد انتظار باقی مانده‌اند. همه آن‌ها به طرز بدی از میان می‌روند مانند

اتحاد شوروی. همه این امپراتوری‌ها از میان رفته‌اند اما نه از جانب قدرت بزرگ‌تر، بلکه به دلیل انحطاط و جغرافیا. امپراتوری بریتانیا نه حق داشت و نه لازم بود که به بخش‌های دورافتاده آسیا و اروپا هجوم آورد. این امپراتوری از همین‌ها شکست خورد. ایالات متحده ادعا کرده است که حق دارد در صحنه‌های مختلفی مانند آمریکای جنوبی، خاور دور، شرق آفریقا و یک مجموعه از کشورهای مسلمان دخالت کند. توجیه این دخالت‌ها از تلافی و بازدارندگی تا «دفاع از خود» و تثبیت دموکراسی، متفاوت بوده است. نیت ایالات متحده اغلب شرافتمندانه بوده‌اند، اما نیت خوب، پوششی است برای از پیش بردن قدرت. وقتی پهلپادها می‌توانند هر شخصی را در هر جایی بکشند، غلبه بر این وسوسه، دیگر امکان‌پذیر نخواهد بود. اگر فکر می‌کند که می‌توانید در زیرزمینی در نوادا پلیس جهان باشید، چرا این کار را انجام ندهید؟

دونالد ترامپ در صحنه جهانی، مانند آگوستوس، فاتحانه قدم نمی‌گذارد. وی ممکن است در روز چهارشنبه فرمان داده باشد که «ایران، هرگز امکان داشتن سلاح هسته‌ای را نخواهد داشت...؛ ما

1 - Donald Trump's rant against Iran is the howl of a dying empire  
2 - Simon Jenkins

## وقتی آمریکا هم اکنون درگیر جنگ است

زمانی رویکرد ترامپ، رویکرد یک آمریکایی معمولی و طرفدار عدم مداخله در سیاست کشورهای دیگر بود، همان طور که در فوریه گذشته در برابر کنگره تکرار کرد که «ملت های بزرگ در جنگ های بی پایان شرکت نمی کنند... زمان آن فرارسیده که حداقل برای صلح تلاش کنیم». وی می گفت که از سوریه و به احتمال بیشتر از افغانستان، عقب نشینی خواهد کرد. با این حال، هنوز در آنجا حضور دارد. ایالات متحده اکنون درگیر ۶ جنگ است، به علاوه در عراق، یمن، سومالی و لیبی. هیچ کدام از این جنگ ها ارتباط قابل درکی با امنیت خود ایالات متحده ندارد. امپریالیسم مانند یک چسب به سیاست چسبیده است، حتی وقتی افکار عمومی عقب نشینی را فریاد می زند، ماندن در این جاها به فرد عوام فریب، فرصتی برای بزرگی و افتخار می دهد. بر همین اساس بود که وزیران بریتانیا در سال های ۱۹۵۰ و ۶۰ برای حفظ مالکیت خود بر عدن، کنیا و قبرس می جنگیدند. امروزه بوریس جانسون با سرخوشی ناشی از غروری مردانه یک نیروی کاملایی هدف در شرق دور است. به نظر می رسد بعضی از ارواح مخفیانه از اتافک زیرشیروانی دفتر هند پایین می آیند تا در شب، در داویننگ

استریت قدم بزنند. بیست سال مداخله در جهان اسلام بر اساس دو سخن، دروغ بوده است. یکی آنکه تروریسم تهدیدی حیاتی است برای دموکراسی های غربی که به صورتی مضحک، ثبات ذاتی آن ها را ناچیز به حساب آورده است. دروغ دیگر آن است که مداخله می تواند چنین تهدیدی را برطرف نماید یا فرمان برداری ایجاد کند و حتی در کشورهای قربانی تروریسم دموکراسی به وجود آورد. به یاد دارم که چگونه جناح راست نهادهای سیاست گذاری ایالات متحده تلاش می کردند تا اداره عراق را از منطقه سبز بغداد در ماه های بعد از هجوم سال ۲۰۰۳ انجام دهند. به چه حقی؟ مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهای مستقل غیراخلاقی است، به ویژه آنکه در بخش یک منشور ملل متحد، ممنوع شده است. گمان بر این است که این ممنوعیت با گفته تکراری تونی بلر مبنی بر «مسئولیت حفظ» جمعیت های نظامی، نقض شده است؛ اما وقتی خسارات افزایش یافت، حفاظت صرفاً تبدیل به پوششی برای جنگ های بی پایان و تجاوز غرب شد. به همین دلیل نیز سازمان ملل در این مداخلات، تقریباً غایب است، همان طور که جرج پوش گفت، «من سازمان ملل را برای حقوقدانان باقی می گذارم.»

## پایان یک اپرای تراژیک

اکنون موضوع این نیست که آیا می توانیم بازهم نهال دموکراسی را در زمین آغشته به خون بکاریم؟ مسئله، چگونگی خروج از این جهنم است. منظره ترامپ، درحالی که علیه ایران لفاظی می کند و در همان حال تحریم های بیشتری بر آن وضع می کند، مشابه صحنه پایانی یک اپرای تراژیک است. او مانند فردی به دام افتاده دیده می شد. دو نفر از روسای جمهوری ایالات متحده نقش مهمی در مرگ امپراتوری بریتانیا داشتند. فرانکلین دلانوروزولت به وینستون چرچیل گفت که مداخله آمریکا در جنگ دوم جهانی، صرفاً به این شرط بود که بریتانیا امپراتوری خود را منحل کند. ایالات متحده از بریتانیا دفاع نمی کرد. جان فوستر دالس - که بعداً وزیر خارجه ایالات متحده شد - در سال ۱۹۴۵ گفت که کشورش «اولین مستعمره ای بوده که استقلال خود را از بریتانیا به دست آورده است» و از دیگر کشورها نیز انتظار دارد از کشورش پیروی کنند. این توصیه در سال ۱۹۵۶ از جانب دوایت آیزنهاور، به دنبال حمله بریتانیا به کانال سوئز با عصبانیت تکرار شد.



### رسوایی بابت انتخاب‌های نادرست

این هفته سیاستمداران عراقی به جنبش ضد امپریالیستی، از طریق درخواست خروج نیروهای آمریکایی از خاک کشور خود پیوستند. همه آنچه ترامپ می‌توانست انجام دهد، علیرغم تقاضای قبلی برای خروج از عراق، رد این درخواست بود. هفده سال اشغال از سوی آمریکا باعث شده بود که عراق، حتی در ساعت ناامنی، از پایان این اشغال ناامید شود. عراق می‌داند که باید با همسایه قدرتمندش ایران، در صلح باشد و برای این امر لازم است که عراق بیش از ابزاری در دست ریاست جمهوری مغرور آمریکا نباشد. به همین ترتیب، افغانستان لازم است با طالبان و

همسایه‌اش پاکستان سازش کند. در مورد بریتانیا، ۲۰ سال دنباله‌روی واشنگتن از سوی بلر، دیوید کامرون و اکنون بورس جانسون، تحقیرآمیز و پرهزینه است. بریتانیا باید مانند یک دولت قدیمی و صادق، توصیه کند که تاریخش با وضع خطرناک ایالات متحده مشابه است. در مقابل این، بریتانیا فقط مانند یک پادو چاپلوسی می‌کند و به دنبال یک پاداش است که در این مورد، یک معامله غیرتجاری غیرمحمتمل بعد از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا است. وقتی امپراتوری فرومی‌ریزد، حادثه‌ای روی می‌دهد. تا این زمان، موضوع می‌تواند این باشد که کشتن قاسم سلیمانی از سوی ترامپ، هریک از شرکت‌کنندگان

در این بازی را وامی‌دارد تا درک کنند این موضوع مؤثر نیست. رئیس‌جمهور ایالات متحده فردی دارای واکنش‌های احساسی و غیرقابل پیش‌بینی است. او در واقع می‌توانست از عراق بیرون برود، بگذارد از کردستان جدا شود و با تهران، معامله‌ای انجام دهد. او می‌توانست سوریه را به سرنوشت خود واگذارد و افغانستان را برای کمک‌های اندک پاکستان باقی بگذارد. در مورد بریتانیا، در نهایت تا به الآن، می‌توانست هیچ مداخله در این رسوایی نداشته باشد.

منبع

این متن در آدرس ذیل قابل دسترسی است:  
<https://www.theguardian.com/comments/free/2020/jan/09/donald-trump-rant-iran-dying-empire-nato>